



یکی از راهکارها برای جلب اعتماد عمومی این است که دولت به وسایل ارتباط جمعی نگاه سلبی نداشته باشد یعنی وسایل ارتباط جمعی را تهدید ندهد. علاوه بر آن سعی داشته باشد در جهت توسعه آن حرکت کرده و به لحاظ فنی آن را تقویت کند

می گذاریم جامعه دچار مشکلی شود و بعد به دنبال راه حل آن می رویم؛ باید روشی پیشگیرانه داشته باشیم. یکی دیگر از راهکارهای جلب اعتماد این است که ما باید تکلیف مسائل تکنولوژیک خود را روشن کنیم. ظرفیت سازی برای شبکه های اجتماعی داخلی، آموزش تکنولوژیک، یکپارچگی رسانه ای و تکنولوژیک، مسائلی از این دست هستند.

کاربران شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام عددی حدود هشت تا نه میلیون نفر است و کسب و کارهای بسیار زیادی در آنها وجود دارد. خواسته دولت این است که کاربران از شبکه ها و پلتفرم های داخلی استفاده کنند در صورتی که این موضوع می تواند چالشی بزرگ محسوب شود؛ به این دلیل که ظرفیت سازی انجام نشده و شبکه های داخلی توانایی مقابله کردن با شبکه های خارجی را ندارند. راهکار دیگر آسیب شناسی است. کاربرد وسایل ارتباط جمعی در ایران از ابتدا باید بررسی و آسیب شناسی شود. چون نگاهمان نگاه همراهی و همدلی نیست، تقریباً در همه مراحل با مشکلاتی مواجه بوده ایم.

نکته ای که وجود دارد این است که ما باید مدیریت این مسائل را به افراد حرفه ای و متخصص بسپاریم. به نظر من شورای عالی فضای مجازی در این زمینه کارآمد نیست. می توانیم فعالیت ها، اقدامات و سیاست هایش را مورد انتقاد قرار دهیم و در مورد آنها سؤال بپرسیم.

اگر دولت بخواهد پلتفرم های داخلی را رواج دهد، چه کاری باید انجام دهد؟

اولین کار، یکپارچه کردن ابعاد تکنولوژیک است. باید یک پشتیبانی منظم وجود داشته باشد. علاوه بر این، نهاد های مدنی بر این پلتفرم ها نظارت کنند و حاکمیت وارد این کارزار نشود. به مردم، کسانی که در سال ۱۳۵۷ انقلاب کردند، اعتماد کنید. اگر پای نهاد های مدنی وسط باشد، ابعاد اجرایی ماجرا هم حل می شود. دولت باید سیاست های اثباتی را جایگزین سیاست های سلبی کند، ظرفیت های رقابتی این پلتفرم ها را افزایش دهد و برنامه های آموزشی را فراهم کند. حاکمیت نباید سلیقه خودش را تحمیل کند و باید اعتماد عمومی را بالا ببرد. حاکمیت به صورت مستقیم نمی تواند به مردم کمک کند و باید از طریق واسطه ها وارد شود. رسانه و مطبوعات هستند که واسطه افکار عمومی و حاکمیت هستند. مشارکت و اعتماد بخشی از ارتباط هستند. اینها تجربه ثابت کرده است.

است. حاکمیتی که می خواهد مسائل خود را حل کند باید جزء به جزء به آن بپردازد و به مردم نشان بدهد که دغدغه آنها را می شناسد. با بررسی طرح صیانت متوجه می شویم که متولیان این طرح نیروهای مسلح، ستاد کل، نیروی انتظامی، وزارت ارشاد، وزارت ارتباطات و نماینده های مجلس هستند و هر عضوی از این کار متعلق به حاکمیت است. این موضوع در نهایت بر افکار مردم تأثیری گذارد.

راهکار دولت برای جلب اعتماد مردم چیست؟

برای حل شدن این معضل، قبل از هر چیز این موضوع باید به عنوان یک امر اجتماعی شناخته شود که نیازمند کمک متخصصان است. اگر می خواهیم مسأله را ریشه ای حل کنیم پس باید ریشه ای به آن بپردازیم. من تصور می کنم که هر چه فاصله مردم و حکومت بیشتر شود، مردم بیشتر به سمت وسایل ارتباط جمعی خارجی جذب می شوند. سانسور و فیلترینگ از جمله عواملی هستند که بی اعتمادی ایجاد می کنند.

یکی از راهکارها برای جلب اعتماد عمومی این است که دولت به وسایل ارتباط جمعی نگاه سلبی نداشته باشد یعنی وسایل ارتباط جمعی را تهدید ندهد. علاوه بر آن سعی داشته باشد در جهت توسعه آن حرکت کرده و به لحاظ فنی آن را تقویت کند.

کار دیگری که باید انجام شود این است که آموزش استفاده از فضای مجازی را در همه گروه ها گسترش دهیم. نظام آموزشی برای وسایل ارتباط جمعی در کشور وجود ندارد. تکنولوژی به معنی فرایندهای مدیریت تولید، توزیع، مصرف و فرهنگ سازی ابزارهای ارتباطی است. ما باید جنبه های آموزشی و یادگیری این قضایا را تقویت کنیم. یکی از وظایف ابزار ارتباط جمعی، آموزش است که به نظر من نادیده گرفته شده است.

در مرحله بعدی باید درباره مسائل حقوقی مربوط به ابزار ارتباط جمعی کار کنیم. نظام حقوقی ما در حال حاضر خیلی ضعیف است. اینکه به طور ناگهانی کسی طرح صیانت را مطرح می کند، نشان می دهد نهاد های حقوقی پیشرفته ای نداریم. وظیفه ما این است که در کنار پیشرفت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، از این دست تحولات حقوقی ایجاد کنیم و فعالیت های حقوقی داشته باشیم. همین که هزار چند گانه ای به سراغ طرحی به نام طرح صیانت می رویم، نشان می دهد ما واکنشی عمل می کنیم و